



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۷۸ - ۱۰ نوامبر ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۲۰  
KAR. No. 220 Wednesday 10. Nov 1999

## مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۲۰ - چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۷۸

**سرمقاله**

**دادگاه ویژه روحانیت باید منحل شود!**

**یادداشت**

**هر راهی که می‌روید برای محدودکردن حقوق مخالفین است**

**عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت:**

**علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت به خاطر قتل‌هایی که  
که در زمان ایشان صورت گرفته، باید پاسخگو باشد**

**سعید حجاریان: جبهه اصلی بین آمریت و مردم‌سالاری است**

**به حکم قاضی دادگاه مطبوعات شمس‌الواعظین زندانی شد**

**دانشجویان در تظاهرات ۱۳ آبان**

**خواستار محاکمه عاملان جنایات تیر ماه شدند!**

**نویسندگان نشریه ((موج)) به زندان محکوم شدند**

**روزنامه‌نگاران کشور خواهان**

**مسکوت ماندن طرح مطبوعات شدند**

**عباس عبدی: جبهه دوم خرداد از نامزدی**

**رفسنجانی در انتخابات مجلس حمایت نمی‌کند**

**نورالدین کیانوری درگذشت**

**دانشجویان زندانی در تبریز اعتصاب غذا کردند**

**گزارش تصمیمات هفتمین اجلاس شورای مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**با کار تماس بگیرید**

## سرمقاله

## دادگاه ویژه روحانیت باید منحل شود!

عبدالله نوری مدیر مسئول روزنامه خرداد و وزیر پیشین کشور یک روحانی است و چون روحانی است در دادگاه ویژه روحانیت به اتهام تبلیغ علیه نظام، رهبری و ترویج نظرات آیت‌الله منتظری محاکمه می‌شود. نوری اگر اصلاح‌طلب دینی، منتقد نبود، بدون تردید نه تنها پایش به دادگاه ویژه روحانیت کشیده نمی‌شد بلکه مثل علی فلاحیان، محمدی ری‌شهری، علی رازینی، نیری، و حجت‌الاسلام حسینیان دوست و همکار نزدیک سعید امامی از حمایت دادگاه ویژه روحانیت، توجه خاص ولی فقیه و مصونیت ویژه برخوردار بود. اما نوری فلاحیان و حسینیان نیست. او در جبهه دوم خرداد، در کنار مردم علیه استبداد فقهی و دشمنان آزادی ایستاده است، قرائت دیگری از دین و آزادی دارد، زیر بار فشار ولایت فقیه نمی‌رود و به همین دلیل در دادگاه، او بر صندلی اتهام نشسته و حجت‌الاسلام حسینیان که با صدای بلند می‌گوید ((ما خودمان آدم کشتیم و قتل کردیم)) در همان دادگاه بر مسند داوری و هیات منصفه تکیه زده است.

در دادگاه ویژه روحانیت تاکنون هر کسی بر صندلی اتهام نشسته، از آغاز تا پایان محاکمه بر این نکته تاکید کرده که این دادگاه غیرقانونی است، رای آن اعتبار قانونی ندارد و برپایی چنین دادگاهی حتی مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی است. ترجیح‌بند دفاعیات نادی، سعیدزاده، سادات حسینی، مهدی عباسی، لطفی، کدیور، موسوی خوئینی‌ها، عبدالله نوری و... همه یکی است: دادگاه ویژه روحانیت غیرقانونی است. در پاسخ به این متهمان به حکم خمینی استناد می‌شود و می‌گویند دادگاه به فرمان خمینی تشکیل شده، پس قانونی است! خمینی چه حقی داشته که چنین دادگاهی را تشکیل دهد، سوالی است که اصلاح‌طلبان دینی هر اندازه در طرح آن تاخیر کنند، همان اندازه اصلاحات را به تاخیر می‌اندازند.

واقعیت آن است که دادگاه ویژه روحانیت به دستور خمینی تشکیل شد. این دادگاه زمانی برپا شد که در حوزه‌های آموزش دینی صدای اعتراض روحانیونی که به صفوف منتقدان حکومت می‌پیوستند روز به روز پرطنین‌تر می‌شد. خمینی برای سرکوب این دسته از روحانیون که با برداشت وی از حکومت اسلامی و اختیارات ولی فقیه موافق نبودند دادگاه ویژه روحانیت را ایجاد کرد. مبارزه با ((دین‌فروشان دنیاپرست)) فقط یک بهانه بود. به هنگام صدور فرمان تشکیل دادگاه‌های ویژه روحانیت، خمینی فقط یک هدف در سر داشت: قلع و قمع مخالفان و تحکیم پایه‌های استبداد ولایت مطلقه فقیه با توسل به قانون و یا از فراز قانون. پیروان خمینی (شاید خود او نیز) در آن سال‌ها هرگز گمان نمی‌کردند که ممکن است روزی برسد که یک‌به‌یک آنان را در دادگاه ویژه روحانیت بر صندلی اتهام بنشانند. دادگاه ویژه روحانیت در سال‌های نخستین آغاز کار خود سرگرم بگیر و ببند طرفداران منتظری و نیروهای ملی - مذهبی بود. خط امامی‌ها در این اقدامات اگر دخالتی هم نداشتند - که داشتند - حداقل سکوت کردند و امروز تاوان سکوت دیروزشان را می‌پردازند.

خمینی مرد اما نهاد انکی‌زاسیون قرون وسطایی که برپا کرد تا به امروز برجا مانده است. خامنه‌ای در مرداد سال ۶۹ ارثیه خمینی را با صدور حکمی به نهاد دائمی سرکوب تبدیل کرد و بعد دادگاه ویژه روحانیت بدون آنکه از حوزه اختیارات ولی فقیه خارج شود با همان هدف وصله تن دادگستری شد. هیولایی که خمینی یک دهه پیش در آخرین سال‌های عمر خود آفرید اکنون به جان اصلاح‌طلبان دینی افتاده است. اصلاح‌طلبانی که روزگاری نزدیک‌ترین افراد به خمینی بودند و هنوز هم علی‌رغم دغاع از توسعه سیاسی و اصلاحات نتوانسته‌اند خود را از زیر سایه افکار او بیرون بکشند. عبدالله نوری در دادگاه به نقد اختیارات رهبری پرداخت و صراحتاً خامنه‌ای را به مهمیز انتقاد گرفت. نوری آشکارا گفت تشکیل دادگاه روحانیت از اختیارات رهبری و مجمع‌تشخیص مصلحت نظام نیست و حتی در قانون اساسی هم چنین اختیاری به او تفویض نشده است. برخوردی چنین صریح با خودسری‌های ولی فقیه و دادگاه ویژه روحانیت که به عنوان بازوی سرکوب رهبری عمل می‌کند یک گام شجاعانه است. اما با دفاعیات نوری نمی‌توان به اعمال سرکوب‌گرانه دادگاه ویژه روحانیت پایان داد و یا ماهیت استبدادی آن را متحول کرد. کدیور هم جسورانه برابر دادگاه ویژه روحانیت ایستاد و از پذیرش مشروعیت آن امتناع کرد ولی نه سخنان کدیور و نه دفاعیات خوئینی‌ها مانع از آن نشد که دادگاه سراغ نوری نرود. پیش از آنکه نفر بعدی در دادگاه روحانیت بر صندلی اتهام بنشیند باید اقدام کرد. آن کس که از آخوند معترض گمنامی آغاز کرد و به محاکمه کدیور،

خوئینی‌ها و نوری رسید اگر با مقاومتی روبرو نشود سراغ دانه درشت‌تر از نوری خواهد رفت. نفر بعدی کیست؟ باید برای انحلال آن و سایر دادگاه‌های اختصاصی، دادگاه انقلاب، دادگاه نیروهای انتظامی و تحمیل پذیرش صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی و تحدید صلاحیت دادگاه نظامی نیروهای مسلح به امور نظامی اقدام کرد. با انحلال این دادگاه‌ها، قوه قضائیه که ایدئولوژی اسلامی بر آن حاکم است بطور بنیادی اصلاح نمی‌شود اما دست سرکوب‌گر سست و امکانات آن محدود می‌شود.

از نظر ما فریادها و اعتراض‌های پراکنده علیه ظلم و ستم دادگاه ویژه روحانیت باید به یک خواست روشن سیاسی تبدیل شود. ما پیشنهاد می‌کنیم همه نیروهای اصلاح‌طلب انحلال دادگاه ویژه روحانیت را وارد برنامه‌های سیاسی و انتخاباتی خود سازند. اگر همه جنبش دوم خرداد از این دادگاه شاکی است و آن را ناقض حقوق دموکراتیک می‌داند، چرا نباید آن را به صورت یک شعار سیاسی و انتخاباتی وارد برنامه‌های انتخاباتی خود برای مجلس ششم سازد؟ اصلاح‌طلبان باید به مردم صریح و آشکار بگویند در صورت پیروزی در انتخابات مجلس آینده، به انحلال این نهاد ضدقانونی اقدام خواهند کرد! O

## یادداشت

### هر راهی که می‌روید برای محدودکردن حقوق مخالفین است

بحث پیرامون تعریف ((جرم سیاسی)) این روزها در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران با حرارت زیاد ادامه دارد. بهانه این بحث، لایحه‌ای است که قوه قضاییه در مورد ((جرم سیاسی)) تهیه کرده و به مجلس ارائه داده است. سخن ما بر سر این ((لایحه)) که آخرین یادگار دوران ریاست محمد یزدی بر قوه قضاییه است، نیست. در این لایحه مسئولان قضایی کشور هر چه را خود نپسندیده‌اند، جرم سیاسی تعریف کرده‌اند، از جمله مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان خارج از کشور! اما بسیاری از کسانی نیز، عمدتاً از جناح اصلاح‌طلب، که می‌کوشند لایحه جرم سیاسی قوه قضاییه را نقد کنند، متأسفانه از چارچوب آن خیلی فراتر نرفته‌اند! یکی از این افراد هاشم آغاچری عضو بلندپایه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که در یک میزگرد پیرامون همین موضوع، جرم سیاسی را چنین تعریف کرده است: ((کلیه فعالیت‌هایی که متوجه واژگونی نظام سیاسی می‌شود، جرم سیاسی است))!

مطابق نظر آقای آغاچری، همه مخالفین رژیم سیاسی، بالقوه مجرم هستند و یا باید افکار و عقاید و افعال خود را پنهان کنند و به فعالیت مخفیانه روی آورند و یا باید اصولاً از سیاست و مخالفت با رژیم سیاسی دست بکشند. نه آقای آغاچری و نه سایر اصلاح‌طلبان اصلاً مایل نیستند این موضوع را مورد توجه قرار دهند که اگر کسی، گروهی و حزبی با رژیم سیاسی فعلی مخالف بود، این مخالفت خود را باید از چه طریقی ابراز کند و آن‌ها چه راهی پیش پای او می‌گذارند تا ((مجرم)) نباشد و به فعالیت‌های غیرقانونی و مخفیانه روی نیاورد. آن‌ها که به تازگی شعار ((آزادی مخالف)) را با حرارت بیشتری مطرح می‌سازند، آیا این مخالف را شامل مخالفین رژیم سیاسی موجود نیز می‌دانند یا فقط منظورشان ((مخالف خودی)) است؟!

هسته محدودکننده و در واقع فاجعه‌آمیز چنین درک و چنین تعریفی وقتی نمایان‌تر می‌شود که آن را در عرصه واقعیات امروز جامعه ایران مورد ارزیابی قرار دهیم. مطابق تعریف آقای آغاچری از ((جرم سیاسی))، تمام اعمال و افعال جناح راست و محافظه‌کار حکومت در سرکوب حقوق مردم، در نفی حق آن‌ها برای مشارکت سیاسی، در مخالفتشان با روند اصلاحات و دموکراسی در ایران جرم سیاسی تعریف نخواهد شد، زیرا هنوز کسی، حتی در میان اصلاح‌طلبان، پیدا نشده است که این جناح و جریان را جریانی تعریف کند که بخواهند نظام سیاسی را واژگون کنند. حداقل مجاهدین انقلاب اسلامی آن‌ها را بسیار پیگیرانه نیروی انقلاب و نظام و ((خودی)) می‌دانند. این دشمنان آزادی می‌توانند مطمئن باشند که مطابق تعریف آقای آغاچری، به هر اقدام ضددموکراتیک و ضد مردمی هم دست بزنند، کسی آن‌ها را مجرم نخواهد شناخت. وفاداریشان به نظام سیاسی موجود، آن‌ها را در برابر هر جرمی ((بیمه)) کرده است. اما برعکس، یک گروه مخالف این رژیم که هم خواهان اصلاحات و هم خواستار دموکراسی و مشارکت واقعی مردمی است، دست به هر عمل و فعلی بزند، از آن‌جا که هدفش تغییر نظام سیاسی موجود است، مجرم است و مجرم خواهد ماند.

از نظر تئوریک نیز تعریف آقای آغاچری اساساً متوجه مجرم شناختن مخالفین دولت و حکومت خواهد بود و طبق چنین تعریفی دولت‌ها هیچ‌گاه مجرم سیاسی شناخته نخواهند شد و جرایم تماماً متوجه آن‌هایی می‌شود که دستشان از قدرت کوتاه است. اما تاریخ شاهد این است که معمولاً این دولت‌ها و حکومت‌ها هستند که به دلیل در دست داشتن همه ابزار قدرت دست به ((جرم)) و ((جنایت)) می‌زنند.

از نظر ما کوشش برای تعریف ((جرم سیاسی)) در شرایط امروز ایران، تنها تلاشی برای ((قانونی کردن)) سرکوب و مجازات مخالفین است. این کاملاً طبیعی است که احزاب سیاسی، برنامه‌های سیاسی متفاوت دارند و هیچ حزبی، به صرف این که قدرت را در دست دارد، و هیچ دولتی نیز، نمی‌تواند برنامه‌ها و اعمال احزاب سیاسی دیگر را جرم تعریف کند. معیار و ملاک همزیستی و مناسبات این گرایش‌های سیاسی و احزاب مختلف تنها می‌تواند قانون باشد. ما وقتی از قانون سخن می‌گوییم، یک قانون دموکراتیک را در نظر داریم که در فضای آزادانه و با مشارکت همه احزاب سیاسی تهیه شود و به رای مردم گذاشته شود و متکی بر اصول شناخته شده حقوق بشر و دموکراسی در جهان معاصر باشد. نمی‌توان قانونی تدوین کرد و در آن اصول دموکراسی و حقوق بشر را زیر پا گذاشت و به ویژه حقوق مخالفین را در نظر نگرفت و بعد از این مخالفین خواست به آن قانون احترام بگذارند. ما همواره مخالفت خود را با چنین قوانینی اعلام کرده‌ایم.

اگر در ایران قوانینی تدوین شود که در آن‌ها حقوق مخالفین و از جمله حق مخالفت دموکراتیک آنان با رژیم سیاسی حاکم به رسمیت شناخته شود و همه ملزم به رعایت چنین قانونی شوند، اگر مطابق این قوانین فعالیت سیاسی جرم شناخته نشود، بدون شک احتیاج به تعاریفی که آقای آغاچری از ((جرم سیاسی)) می‌دهند، نیز نخواهیم داشت!

## عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت: علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت به خاطر قتل‌هایی که که در زمان ایشان صورت گرفته، باید پاسخگو باشد

محاکمه عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، محکومیت دانشجویان به زندان‌های طویل‌مدت، بازداشت شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه عصرآزادگان، طرح مجدد اصلاح قانون مطبوعات در مجلس و پرونده سازی علیه کاندیداهای احتمالی جبهه دوم خرداد، تاکتیک زنجیره‌ای جناح راست برای سبقت گرفتن از اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ششم است. در این زنجیره، محاکمه عبدالله نوری جای برجسته‌ای دارد. محافظه‌کاران زمانی به سراغ عبدالله نوری رفتند که وی به قصد شرکت در انتخابات مجلس ششم از ریاست شورای شهر تهران استعفا داد. از نظر جناح راست این فرصت مناسبی برای تسویه حساب با عبدالله نوری و پرونده‌سازی برای جلوگیری از ورود او به مجلس ششم بود.

محاکمه نوری روز شنبه ۸ آبان با یک محاسبه اشتباه محافظه‌کاران آغاز شد و عبدالله نوری همانطور که پیش از شروع محاکمه وعده داده بود هر آنچه را که باید می‌گفت بر زبان آورد و بی‌توجه به توصیه کسانی که از وی می‌خواستند برای نجات خود برابر دادگاه ویژه روحانیت کوتاه بیاید، دادگاه و ((رهبر)) را بی‌اعتبار کرد. اشتباه محاسبه جناح راست آنجا بود که گمان می‌کردند اگر نقایص دادگاه کرباسچی را برطرف سازند و از بازتاب تلویزیونی دفاعیات نوری جلوگیری کنند، می‌توانند در سکوت صدای او را خاموش سازند. اما از همان جلسه نخستین دادگاه معلوم شد علیرغم محدودیت روزنامه‌نگاران در بازتاب سخنان نوری، مردم کشور با حساسیت ویژه‌ای جریان دادگاه را دنبال می‌کنند و شکست دادگاه در پایان محاکمه روشن است. سخنان عسکراولادی دبیرکل هیئت مولفه و چهره پشت‌صحنه دادگاه که از شاکیان نوری در خواست کرد شکایت خود را پس بگیرند، نشان داد تردید در میان محافظه‌کاران بر سر برنده شدن در بازی خطرناکی که آغاز کرده‌اند تا کجا رسوخ کرده است. نوری در دادگاه، ایجاد دادگاه ویژه روحانیت را غیرقانونی خواند، خامنه‌ای را به باد انتقاد گرفت، فلاحیان را مسئول قتل‌های زنجیره‌ای خواند، ترتیب دهندگان دادگاه محاکمه خود را همدستان سعید امامی توصیف کرد، از کشیش دیباج، میکائیلیان، علایی، فروهر، مختاری، پوینده و... به عنوان قربانیانی یاد کرد که به دست عوامل حکومت به قتل رسیده‌اند، او علیرغم سخنان خامنه‌ای، از اصولی بودن برقراری مناسبات با امریکا دفاع کرد و در هر جلسه از دادگاه، قاطعانه به محاکمه دادگاه و سیاست محافظه‌کاران و ((رهبر)) پرداخت.

از جلسه دوم دادگاه، محافظه‌کاران با این پرسش مواجه شدند که چگونه می‌توان به این محاکمه بدون تحمل زیان سنگین پایان داد. نوری را اگر محکوم کنند، مردم نه تنها او را تنها نخواهند گذاشت بلکه به کانون بسیج حرکت مردم تبدیل خواهد شد و اگر او را تبرئه کنند تاثیر او بر جریان انتخابات بیش از آغاز محاکمه خواهد بود. جناح ضدآزادی حکومت برای یافتن پاسخ به این پرسش، ادامه محاکمه نوری را در روز پنج‌شنبه ۱۳ آبان متوقف کردند و زمان جلسه بعدی دادگاه هنوز نامعلوم است. جلسه پنجم چگونه دنبال خواهد شد. آیا محافظه‌کاران تعلیق محاکمه را به ادامه آن ترجیح خواهند داد؟

### بخش‌هایی از دفاعیه عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت

دفاعیات عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، به مثابه دیدگاه‌های سیاسی پیشروترین جناح اصلاح‌طلب حکومت تلقی شده است و بازتاب گسترده و اهمیت بسیاری یافته است. این دفاعیات که بسیار مفصل و مشتمل بر ۴۰۰ صفحه است، همچنان ادامه دارد و در جریان آن عبدالله نوری تفکر رسمی و حاکم بر جمهوری اسلامی را در جریان آن به زیر نقدی کوبنده کشیده است و عملاً به پلاتفرمی برای نیروی پیشروی اصلاح‌طلب حکومتی تبدیل شده است. بخش‌های برگزیده دفاعیات عبدالله نوری را که تا پایان جلسه چهارم دادگاه شامل می‌شود، در زیر می‌خوانید.

**وای بر این نظام، وای بر این ولایت!**

امروز یک روحانی مدعی است که یک روحانی دیگر کارش توهین افترا و نشر اکاذیب بوده و هدفش جز ضربه‌زدن به نظام و اسلام و حتی معاندت با دین نیست. اگر این آقا راست می‌گوید وای بر روحانیتی که من در آن هستم و اگر این آقا دروغ می‌گوید، وای بر روحانیتی که او در آن است. من بیست سال در این کشور مسئول بودم، اگر این آقا راست می‌گوید وای بر نظامی که من ۲۰ سال مسئول آن بودم و اگر این آقا دروغ می‌گوید، وای بر نظامی که این آقا در آن مسئولیت دارد. اگر ثمره انقلاب بعد از ۲۰ سال، پرورش چهره‌ای مثل من است، وای بر این انقلاب و اگر پرورش چهره‌ای مثل این آقا است، باز هم وای بر این انقلاب. اگر نماینده ولی‌فقیه بعد از ۲۰ سال وضعش مثل من است، وای بر این ولایت و اگر مثل این آقا است باز هم وای بر این ولایت. اگر ثمره دینی ما بعد از این همه عمر تبلیغ دینی، فردی مثل من می‌شود وای بر این دین و اگر فردی مثل این آقا می‌شود باز هم وای بر این دین!

**غیرقانونی بودن دادگاه روحانیت:**

برای من موجب تاسف و تائر فراوان است که ناگزیرم برای اثبات حقانیت خود در جایی سخن بگویم که بر مبنای نقض آشکار قانون اساسی کشور شکل گرفته است.

با توجه به اینکه دادگاه ویژه، قانونی بودن خود را ناشی از حکم رهبری می‌داند. به طور خلاصه بر موارد ذیل تاکید می‌کنم: اول. مشروعیت حکومت و نافذ بودن حکم رهبری ناشی و منبعث از آرای مردم است.

دوم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رهبر را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی دانسته است و ((تساوی عموم در برابر قانون)) را به رسمیت می‌شناسد.

سوم. نهاد رهبری موظف به دفاع و حفاظت از قوانین به ویژه قانون اساسی است.

چهارم. با توجه به اصول قانون اساسی... نهاد رهبری نیز نمی‌تواند روحانیت و یا هر صنف یا گروهی را از آزادی‌های مشروع یا حقوق مندرج در اصول ۳۶، ۳، ۱۶ و دیگر اصول مربوطه محروم نماید.

با توجه به اصول سی‌وششم و سی‌وهفتم و یک صدوپنجاه‌ونهم قانون اساسی که قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون می‌داند، هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد و دادگاه صالح دادگاهی است که به حکم قانون تاسیس و حدود صلاحیت آن مشخص شده باشد. بنابراین: تشکیلات دادگاه ویژه روحانیت به دلیل اینکه فاقد هرگونه اعتبار و جاهت قانونی است، صلاحیت رسیدگی به هیچ اتهامی را ندارد و تمامی اقداماتی که این مرجع به عنوان اقدامات قضایی انجام می‌دهد و منجر به مجرم دانستن اشخاص و صدور حکم به مجازات علیه آنان می‌گردد محکوم به بطلان و ذاتا غیرقانونی است.

### در باره قتل‌های زنجیره‌ای:

متأسفانه به جای محاکمه قاتلان و عاملان و برنامه‌ریزان و حکم‌دهندگان، عبدالله نوری محاکمه می‌شود و آنکه (روح‌الله حسینیان) مقتولان را ناصبی و مرتد خواند و قسم جلاله خورد که ((آخه ما خودمان والله یک زمان قاتل بودیم))، اینک به جای افکار عمومی بر کرسی هیات‌منصفه تکیه می‌زند. آیا مردم حق ندارند سؤال کنند به راستی چه کسی پشت این افراد است که نه تنها وقتی دادرسی نظامی آنها را احضار می‌کند، تمکین نمی‌کنند، بلکه دادگاه ویژه هم به جای محاکمه آنها، نوری را محاکمه می‌کند. دادگاه ملت ایران درباره این محاکمه چگونه قضاوت خواهد کرد وقتی ببیند مدافع (روح‌الله حسینیان) و یا همکار (پورمحمدی) سعید امامی به عنوان اعضای هیات‌منصفه درباره افشاکنده چهره واقعی قاتلان، به عنوان متهم قضاوت می‌کنند. آنچه روزنامه‌های مستقل بر آن تاکید کرده‌اند بسیار شفاف و روشن است. پاسخگویی (علی فلاحیان) وزیر اسبق اطلاعات که هم قدرت داشته است و هم می‌توانسته است با توجه به شرط اجتهاد وزیر اطلاعات، تصمیم‌گیر باشد. خرداد طی ده‌ها یادداشت صراحتاً خواستار پاسخگویی وزیر اطلاعات وقت شده است نه کس دیگری و لذا عوض کردن صورت مساله توسط برخی و پیگیری آن توسط تنظیم کننده کیفرخواست واقعیت را تغییر نخواهد داد. از نظر ما وزیر اطلاعات وقت به خاطر قتل‌هایی که در زمان ایشان صورت گرفته و امنیت ملی را به خطر انداخته است باید پاسخگو باشد. درباره این نکته کیفرخواست که می‌گوید عبدالله نوری ((واقعا کسانی را می‌شناسد که چنین اقداماتی را انجام داده‌اند و آن را کتمان می‌کنند))، می‌گویم: بلی، در این رابطه اطلاعاتی به من داده شده. منتها برای رعایت مصالح ملی آن را برملا نمی‌کنم که اگر دادستان محترم نظامی اجازه دهد، برخی اطلاعات را در جلسات بعدی ذکر خواهم کرد.

خرداد به عنوان اولین روزنامه‌ای که قتل‌ها را برملا کرد، همچنان به آن خواهد پرداخت و تا کشف کامل حقیقت آن را پی خواهد گرفت، مگر آنکه خرداد بسته شود که در آن صورت دیگر مطبوعات آن را پی خواهند گرفت. شما مطمئن باشید که از این به بعد هیچ‌کس قادر نخواهد بود دست به جنایت بزند و خاطرش خوش باشد که مساله پنهان خواهد بود. تا روزنامه‌های مستقل وجود داشته باشد چنین امری غیرممکن خواهد بود مگر اینکه تمام مطبوعات بسته شود. برای مطبوعات کشف حقیقت فارغ از گرایش‌های جناحی مطرح است. هر کس از هر گروهی با هر گرایش فکری دست به جنایت زده باشد از نظر ما محکوم است. وابستگی به چپ و راست و میانه، جنایت را مجاز و مشروع نمی‌کند. جنایت، جنایت است در هر لباسی، با هر اسمی و در هر پست و مقامی.

### درباره قتل‌های سال‌های گذشته:

پرسشی که اینک اذهان نخبگان را گرفتار خود کرده این است که چگونه در طی سالیان گذشته، گروهی از روشنفکران به قتل رسیدند و تمام قتل‌ها با سکوت مسئولین به عنوان ((مرگ مشکوک)) نادیده گرفته شد و هیچ اراده‌ای برای تعقیب قاتلان و محفل‌نشینان وجود نداشت؟ چگونه انسانهای مظلومی را بخاطر عقایدشان مثله می‌کنند و از کسی فریادی بر نمی‌خیزد؟ آیا اگر فردی از سر درد فریاد برآورد مجرم است؟ مگر حاکمیت مسئول حفظ جان انسانها نیست؟ پس چرا حسین برانزده، احمد تقضلی، احمد میرعلایی، ابراهیم زالزاده، سعیدی سیرجانی، پیروز دوانی، مجید شریف، غفار حسینی، منوچهر صانعی و فیروزه کلانتری، عده‌ای از دانشگاہیان و روحانیون اهل تسنن و یا برخی از کشیش‌های مسیحی به نام‌های میکائیلیان و دیباج به قتل رسیده و برخی با کارد تکه‌تکه و پس از بسته‌بندی، در فریزر جاسازی شدند و قاتلان آنها به مردم معرفی نشدند تا شهروندان به عمق جنایاتی که بر این کشور رفت آگاه شوند؟ این‌گونه اعمال چه هزینه‌ای برای حاکمیت نظام و اسلام داشته است؟ چگونه است که در حکومت اسلامی بانویی سالمند را با بیش از ۲۵ ضربه کارد سلاخی می‌کنند ولی وقتی روزنامه‌ای به این مسائل می‌پردازد، ناامنی به وجود می‌آید. چه کسانی می‌خواستند گروهی از نویسندگان دگراندیش که از نظر فکری مثل ما نمی‌اندیشند را به قعر دره بیفکنند و چرا آن‌همه جرم و جنایت در حق جان افراد و نفوس انسانها روا داشته شد؟ و در نهایت به آبرو و حیثیت کشور ضربه‌ای سهمگین وارد آمد؟ چرا در حالی که همه نگاه‌ها و نظرها معطوف به یک نقطه خاص بود، هیچکس

جرات آن را نداشت تا حتی پرسشی در جلسات خصوصی درباره قتلها مطرح کند؟ و چرا اینک که کوس رسوایی محفل‌نشینان در همهجا به گوش می‌رسد، هیچ‌کس مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد و با جاسوس و منحرف اعلام کردن سعید اسلامی، صورت مساله در حال پاک‌شدن است و اگر روزنامه‌های نکته‌ای در این راستا بنویسد، مدیرمسئولش به پای میز محاکمه کشیده می‌شود؟ من اعلام می‌کنم تا قدرت بیان و کلام دارم از حقوق اساسی مردم و مظلومان دفاع خواهم کرد.

خرداد امنیت و آرامش کسانی را برهم زده است که با توسل به شیران‌ترین و منحط‌ترین شیوه‌ها و دست زدن به مجرمانه‌ترین اعمال و قتل افراد بی‌گناه بنیان‌های نظام و ملت را نشانه رفته‌اند. امنیت و آرامش جامعه وقتی تامین می‌شود که امنیت تبهکاران از بین برود. وقتی خرداد به امنیت تبهکاران تعرض می‌کند چرا شما برمی‌آشوبید و امنیت و آرامش را از بین رفته می‌بینید؟ خرداد آرامش و امنیت محفل‌نشینان را برهم زد تا بندگان خدا در آرامش و امنیت زندگی کنند.

در باره ((انحراف انقلاب)):

تنظیم‌کننده کیفرخواست این جمله را که ((انقلاب ما از جاده منحرف شده))، جرم خوانده است. از ایشان سؤال می‌کنم که اگر کسی این نمونه‌ها را انحراف از جاده انقلاب بداند، آیا مجرم است؟

۱ - مگر انقلاب اسلامی علیه استبداد، ناامنی و بی‌حرمتی و برای آزادی همگان نیامد اما آیا امروز مراجع تقلید ما، استادان دانشگاه ما و مطبوعات ما به عنوان رکن چهارم جمهوریت و جامعه مدنی، برای انتقاد به تمام مدیران و مسئولان کشور احساس امنیت می‌کنند؟

۲ - مگر انقلاب ما با هدف و شعار حرمت انسان‌ها نیامد و ما در این سال‌ها بیشترین هتک حرمت‌ها را از انسانها و حتی در حق مرجعیت دینی وارد نکردیم؟

۳ - مگر امر به معروف و نهی از منکر در اسلام دارای شرایط خاصی نیست که در همه رساله‌های علمیه آمده است و مگر به عنوان یکی از اصول قانون اساسی برای تضمین جلوگیری از انحراف انقلاب در قانون نیامده است؟ آیا ایجاد ستادی به نام امر به معروف و نهی از منکر که هیچ جنبه رسمی و قانونی ندارد و خود مرتکب زشت‌ترین منکرات می‌شود انحراف از انقلاب نیست؟

۴ - مگر انقلاب اسلامی برای ختم استراق‌سمع و شکنجه نیامد و این هدف را در قانون اساسی تبدیل به یک اصل نکرد اما خیل گزارش‌هایی که فقط برخی از نمونه‌های آن در یکسال گذشته در مطبوعات چاپ شد و از وجود استراق‌سمع و شکنجه حکایت می‌کند، آیا انحراف از انقلاب نیست؟

۵ - مگر انقلاب اسلامی برای طرد روش ((هدف وسیله را توجیه می‌کند)) به وجود نیامد و مگر برخی امروز برای رسیدن به هدف، هر وسیله‌ای را توجیه نمی‌کنند که آخرین نمونه آن استفاده ابزاری از مقدسات برای کوبیدن رقیب سیاسی و تضعیف رییس‌جمهور بود.

۶ - مگر انقلاب اسلامی برای مقابله با تفتیش عقاید به وجود نیامد و همین را تبدیل به یکی از اصول قانون اساسی کرد، اما ما امروز بی‌سابقه‌ترین تلاش‌ها را در تفتیش عقاید داریم که متن همین کیفرخواست مصداق بارز و بسیار روشنی از آن است.

۷ - علی‌رغم سفارشات فراوان حضرت امام به اصحاب انقلاب مبنی بر تلاش برای تامین زندگی و معیشت و معنویت مردم، مگر بسیاری از ما اسیر تامین نام و مقام و نان خود نشدیم؟ آیا اگر در رژیم گذشته خانواده شاه و مقربان آن استثنایی و جزو از ما بهتران بودند و از رانته‌ها بهره می‌بردند و انقلاب اسلامی برای محو این تبعیضات برپا شد، امروز چند خانواده استثنایی وجود دارد که از رانته‌های گوناگون بهره می‌برند و یا به واسطه‌گری مشغول‌اند؟ آیا این انحراف از اهداف انقلاب نیست؟

۸ - انقلاب اسلامی علیه ناامنی‌های زمان شاه به وجود آمد و پس از انقلاب درست نقطه مقابل ساواک، سازمانی به نام ((وزارت اطلاعات و امنیت)) برپا ساختیم تا برای ملت و تمام شهروندان موافق و مخالف خود امنیت بیاوریم اما افرادی در همین وزارت اطلاعات در کنار برخورد با براندازان مسلح و جاسوسان خارجی به نام مبارزه با تهاجم فرهنگی به آدم‌ربایی و قتل عناصر فرهنگی دست زدند و با رقت‌آورترین وضع، برخی از آنها را با کارد تکه‌تکه کردند. آیا این انحراف از مسیر انقلاب نیست؟

۹ - آقای محترم! چه انحرافی عظیم‌تر از آنکه به نام دفاع از انقلاب، به دانشگاه حمله کنند و آن فاجعه دلخراش را در کوی دانشگاه تهران و در دانشگاه تبریز به‌وجود آورند.

۱۰ - اگر آنان که با قانون مخالفت می‌کنند به عنوان مدعی بر صدر نشینند و آنان که از قانون به معنای دقیق کلمه حمایت می‌کنند به میز محاکمه کشیده شوند، این انحراف از انقلاب نیست. اگر کسی که از قاتلان قتل‌های زنجیره‌ای دفاع می‌کند و نیز فرد دیگری که از همکاران نزدیک سعید امامی بوده است در جایگاه هیات منصفه می‌نشیند و کسانی که از مقتولان و بی‌گناهان دفاع می‌کنند محاکمه می‌شوند. آیا این انحراف از اهداف انقلاب نیست؟

در پایان این بخش از دفاعیات خود، ضمن رد و تکذیب کلیه اتهامات وارده، تاکید می‌کنم مضمون اصلی موارد مطروحه در کیفرخواست، عمدتاً مبتنی بر نفی آزادی‌های مشروع و قانونی مطبوعات و مغایر با قانون است و به ویژه آنکه بیش از هر چیز ناشی از گرایش شدید تنظیم‌کننده کیفرخواست به تفتیش عقاید و سلب حق آزادی اندیشه و بیان است.

درباره تجدیدنظرطلبی:

اگر تجدیدنظر طلبی به معنای مخالفت با ((تفتیش عقیده))، مخالفت با قتل روشنفکران و دگراندیشان، مخالفت با پلیسی و امنیتی کردن فضای فرهنگی و اجتماعی، مخالفت با ارباب حوزه علمیه، مخالفت با نظارت استصوابی و مخالفت با دخالت نظامیان در سیاست باشد، من تجدیدنظر طلب هستم.

## سعید حجاریان: جبهه اصلی بین آمریت و مردمسالاری است

سعید حجاریان در یک سخنرانی پیرامون انتخابات مجلس ششم، مبارزه بین آمریت و مردمسالاری را مبارزه اصلی دانست و در مورد شرکت رفسنجانی در انتخابات گفت او باید زیر یکی از این دو برنامه را امضا کند. وی در عین حال احتمال ائتلاف ((جبهه دوم خرداد)) با نیروهای ملی - مذهبی را منتفی ندانست.

حجاریان پیرامون انتخابات مجلس ششم گفت: انتخابات مجلس حول یک جبهه اصلی با عنوان مردمسالاری و آمریت خواهد گشت و جبهه دوم خرداد که برنامه اصلی آن همان برنامه خاتمی است، قصد دارد تا با افزایش مشارکت مردمی افزایش میزان رقابت سیاسی و باز کردن راه برای نیروهای مستقل در انتخابات شرکت کند. حجاریان در مورد استراتژی محافظه‌کاران در این انتخابات گفت: براساس تجربیات و نظرسنجی‌ها، جناح راست دارای یک پایگاه سنتی محدود در جامعه است که برای مثال در تهران ۴۰۰ هزار نفر می‌شوند. برای جبهه دوم خرداد افزایش عدد مخرج کسر شرکت‌کنندگان همچون انتخابات دوم خرداد الزامی است و جناح راست قصد دارد تا این کسر را کاهش دهد. بنابراین شعار اصلی جناح راست به طور مضمونی و نه تبلیغاتی شعار ((مشارکت کمتر مجلس مطمئن‌تر)) خواهد بود. وی افزود: وظیفه جبهه دوم خرداد این است که مردم را هرچه بیشتر به پای صندوق‌های رای بیاورد و باید تلاش کند که نیروهای خود را در همان مرحله اول انتخابات راهی مجلس کند از این رو که به طور تجربی در مرحله دوم انتخابات میزان مشارکت تا حد نصف کاهش می‌یابد.

حجاریان در پاسخ به سؤالی درباره موقعیت هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم گفت: یکی از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی شفافیت دیدگاه‌هاست که منجر به بالا رفتن میزان مشارکت و حق انتخاب مردم می‌شود. در حال حاضر دو برنامه مردمسالاری و آمریت در عرصه سیاسی وجود دارد و نمی‌شود کسی ذیل هر دو برنامه را امضا کند و جبهه مشارکت نه تنها درباره هاشمی بلکه در مجموع قصد ندارد حتی یک نام مشترک با جناح راست داشته باشد.

وی درباره ائتلاف با کارگزاران گفت: در انتخابات شوراها از ۱۵ نام در ۱۲ نام مشترک بودیم و این یک تراز بسیار بالا است و ما قصد داریم که این تراز را افزایش دهیم.

سعید حجاریان در پایان این سخنرانی در مصاحبه کوتاهی با خبرنگار روزنامه عصر آزادگان شرکت کرد. متن این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

عصر آزادگان: آیا امکان ائتلاف شما با گروه‌های ملی - مذهبی وجود دارد؟

حجاریان: در جبهه دوم خرداد که عمومی‌تر است بله، آن‌ها باید خودشان تصمیم بگیرند، اما ما در حزب مشارکت با آن‌ها ائتلاف نخواهیم کرد.

عصر آزادگان: یعنی از آن‌ها هیچ‌گونه دفاعی نخواهید کرد؟

حجاریان: ما از حقوق اساسی آن‌ها دفاع خواهیم کرد و اگر رد صلاحیت شوند از حقوق شهروندی آن‌ها دفاع خواهیم کرد، اما ائتلاف نخواهیم کرد.

عصر آزادگان: شما در صف‌بندی آمریت - مردمسالاری که از آن نام بردید، به ملی - مذهبی‌ها نزدیک‌تر هستید تا کارگزاران. چگونه امکان ائتلاف با آن‌ها وجود دارد، اما با ملی - مذهبی‌ها نه؟

حجاریان: ببینید! ما به جهت توهم برنامه‌ای که ممکن است ایجاد شود، از ائتلاف پرهیز می‌کنیم. همان طور که گفتم عده‌ای سعی می‌کنند جبهه‌بندی دو تفکر آمرانه و مردمسالارانه را بهم بزنند و در این شرایط ممکن است یک جبهه‌بندی خودی - غیرخودی ایجاد کنند، یا بخواهند در یک تقسیم‌بندی، خطامام را در یک طرف و دیگران را در سوی دیگر معرفی کنند و مثلاً آقایان کروبی و محتشمی و عسکراولادی و... را خط‌امام بنامند تا به نوعی تقسیم‌بندی اصلی آمریت - مردمسالاری مخدوش شود.

## به حکم قاضی دادگاه مطبوعات شمس‌الواعظین زندانی شد

روز سه‌شنبه ۱۱ آبان ماه، به دستور قاضی سعید مرتضوی، قاضی دادگاه مطبوعات، ماشاالله شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه عصر آزادگان در دفتر کار خویش دستگیر و روانه زندان شد. ((اتهام)) شمس‌الواعظین، مربوط به دوران مسئولیت او در سردبیری روزنامه توقیف شده نشاط است. مرتضوی برای این که حکم بازداشت شمس‌الواعظین را محکم‌تر کند، اتهامات تازه‌ای را متوجه او ساخته است و جعل و استفاده از سند مجعول و جعل امضای حسین باقرزاده را نیز بر اتهامات او افزوده است.

به گزارش روزنامه خرداد، دو تن از ماموران معاونت عملیاتی نیروی انتظامی تهران بزرگ شمس‌الواعظین را در ساعت دو بعدازظهر دستگیر کردند. قاضی مرتضوی برای او یک قرار وثیقه به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال صادر کرده است که شمس‌الواعظین حاضر به پرداخت آن نشد.

بازداشت شمس‌الواعظین بطور کاملاً غیرقانونی صورت گرفت. مطابق قانون فعلی مطبوعات جمهوری اسلامی که هنوز معتبر است، مسئولیت کلیه نوشته‌های هر روزنامه برعهده مدیر مسئول آن روزنامه است و نویسندگان مقالات و از جمله سردبیر، هیچ مسئولیتی در قبال دادگاه ندارند. با این حال مرتضوی علیرغم آن که لطیف‌صفری مدیر مسئول روزنامه نشاط را به دو سال و نیم حبس تعزیری محکوم کرده است، دستور بازداشت شمس‌الواعظین را نیز صادر کرد.

زمان بازداشت شمس‌الواعظین را به گونه‌ای انتخاب کردند که با محاکمه عبدالله نوری همزمان باشد و به همین جهت توجه و اعتراض قابل توجهی را به دنبال نیاورد. علیرغم این که بازداشت ضدقانونی شمس‌الواعظین تحت‌تأثیر محاکمه عبدالله نوری قرار گرفته است، با این حال، اکثر روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب علیه آن اعتراض کرده‌اند.

اعمال سعید مرتضوی و گستاخی‌های هر دم بیشتر او نسبت به روزنامه‌نگاران، نشانه بارز آن است که در قوه قضاییه علیرغم همه وعده‌هایی که داده شده است، هنوز هیچ چیز، به ویژه آن چه که به سرنوشت مطبوعات برمی‌گردد، تغییر نکرده است. باید از رئیس جدید قوه قضاییه پرسید، معنای همه آن وعده‌هایی که در مورد ((توسعه قضایی)) داد، آن بود که امروز به حکم یک قاضی تحت‌فرمان او روزنامه‌نگاران را دستگیر کنند و به زندان بفرستند؟ بدون شک در وضعیت متلاطم سیاسی ایران و انتظارات به حقی که در جامعه به وجود آمده است، هاشمی شاهرودی مدت زیادی نخواهد توانست حرف‌های زیبا بزند و چشم بر اعمال زشت و ضدآزادی در حوزه مسئولیت خود ببندد. ادامه سکوت او در نقض گستاخانه حقوق مطبوعات، هیچ معنای دیگری جز تایید او نسبت به این اعمال ندارد.

**((کار)) بازداشت ماشالله شمس‌الواعظین را شدیداً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری اوست.**

## دانشجویان در تظاهرات ۱۳ آبان خواستار محاکمه عاملان جنایات تیر ماه شدند!

روزنامه‌های عصرآزادگان و خرداد را بر سر دست‌ها بلند کرده‌اند، به نشانه اعتراض به محاکمه عبدالله نوری و بازداشت شمس‌الواعظین. دانشجویان در تظاهرات ۱۳ آبان امسال، بار دیگر بر خواست عمده خود جهت برقراری آزادی‌های سیاسی و محاکمه عوامل فاجعه کوی دانشگاه پای فشردند!

در حالی که نهادهای رسمی حکومت، تظاهرات روز سیزدهم آبان به مناسبت سالروز تسخیر سفارت آمریکا را به نمایشی علیه سیاست تشنج‌زدایی دولت محمد خاتمی در عرصه جهانی تبدیل ساختند، دانشجویان که خود تسخیرکنندگان سفارت بودند، در مراسمی جداگانه روابط ایران و آمریکا را از زاویه ((مصالح ملی)) مورد بررسی قرار دادند و بر دموکراسی و آزادی‌های سیاسی تاکید کردند. دفتر تحکیم وحدت در بیانیه‌ای که پیش از این مراسم منتشر کرد، اعلام داشت که پرچم آمریکا را آتش خواهد زد و از شعارهای ((تند و افراطی)) پرهیز خواهد کرد. آنچه که دفتر تحکیم وحدت از آن پرهیز داده بود، در تظاهرات رسمی با جدیت ادامه یافت.

در پایان مراسم دانشجویان که به دعوت دفتر تحکیم وحدت برگزار شد، قطعنامه‌ای در شش ماده مورد تصویب قرار گرفت که در آن از جمله آمده است: ((جریان دانشجویی امروز بیش از آن که از ناحیه انحصارطلبانه بیرونی احساس نگرانی کند، از سوی خشونت‌ورزان داخلی، چهره‌های رسمی و غیررسمی گروه‌های فشار مورد تهدید، ظلم و تجاوز وحشیانه قرار می‌گیرد و متأسفانه به جای احقاق حق و محاکمه عاملان و طراحان قضیه‌ای چون فاجعه کوی دانشگاه، دانشجویان بازداشت شده و به حبس‌های طولانی محکوم می‌شوند)).

مراسم امسال دانشجویان، برخلاف سال‌های قبل، بدون تبلیغات و در فضایی کم‌رونق برگزار شد. حتی روزنامه‌های دوم خرداد نیز به این مراسم دانشجویی توجه لازم را نکردند و در انعکاس آن نکوشیدند. ترس از هر گردهمایی دانشجویان همچنان بر سر همه وابستگان به حکومت، از هر جناح و گرایش، موج می‌زند!

## نویسندگان نشریه ((موج)) به زندان محکوم شدند

شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران در روز چهارشنبه ۱۲ آبان ماه، نویسنده نمایشنامه ((کنکور وقت ظهور!)) و دست‌اندرکاران نشریه موج را به زندان محکوم کرد. به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان تهران، عباس نعمتی و محمدرضا نم‌نبات هر یک به تحمل سه سال حبس، علیرضا آقایی به تحمل شش ماه حبس و مهدی سجاده‌چی از اتهامات وارده تبرئه شد.

عباس نعمتی متهم ردیف اول پرونده، نویسنده نمایشنامه مذکور است. دادگاه محمدرضانم‌نبات، متهم ردیف دوم را به توهین و اهانت به ((ساحت مقدس حضرت زهرا)) در یک سخنرانی در سمینار ((سنت و مدرنیسم)) متهم و به این دلیل به سه سال حبس تعزیری محکوم ساخت. علیرضا آقایی، متهم ردیف سوم، مسئول تابلوی آزاد انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر است که به اتهام نصب مطالب توهین‌آمیز نسبت به ((مقدسات و احکام دین مبین اسلام)) به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد. مهدی سجاده‌چی استاد دانشگاه و متهم ردیف چهارم این پرونده که به اتهام معاونت در جرم تحت تعقیب قرار گرفته بود، از اتهامات وارده تبرئه شد.

دادگاه مدعی شده است در صدور حکم برای دانشجویان، حداکثر تخفیف را برای آن‌ها در نظر گرفته است. اما با توجه به این که همه متهمین در دادگاه، هرگونه قصدی در جهت ((توهین به مقدسات)) را رد کرده بودند، این حکم را باید تقابل آشکار دادگاه با تمایل دانشجویان برای تبرئه متهمین پرونده و ضرب شست تازه‌ای از سوی محافظه‌کاران علیه دانشجویان و جنبش دانشجویی دانست.

## روزنامه‌نگاران کشور خواهان مسکوت ماندن طرح مطبوعات شدند

۳۰۰ نفر از روزنامه‌نگاران کشور با امضا نامه‌ای خواستار مسکوت ماندن قانون طرح تغییر قانون مطبوعات شدند. در این نامه آمده است: اصلاحیه جدید یا تغییر قانون مطبوعات که توسط برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی جهت بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، عن‌قرب مراحل قانونی خود را در مجلس طی خواهد کرد. مبنای اصلی این طرح، ایجاد محدودیت و مجازات هر چه بیشتر برای نشریات و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران است. محدودیت‌ها و جرایم پیش‌بینی شده در این طرح از زمان قاجاریه تاکنون سابقه نداشته است. حتی در سایر کشورهای فاقد آزادی مطبوعات نیز تضيیقات علیه مطبوعات اینگونه قانونمند پیش‌بینی نگردیده است. در قوانین آن کشورها حداقل ظواهر رعایت شده است. این طرح در صورت تصویب و اعمال، مرگ مطبوعات مستقل و جریان آزاد تبادل اطلاعات و اخبار را در پی خواهد داشت. جامعه مطبوعات ایران ارائه این طرح را فقط یک اقدام سیاسی برای منکوب کردن مطبوعات آزاد جامعه اسلامی ایران می‌داند. این طرح تعارض آشکار با ظاهر و باطن قانون اساسی و نیز قانون مجازات اسلامی دارد.

در پایان این نامه گفته شده است: جامعه مطبوعات بدینوسیله رسماً اعلام می‌نماید که این طرح را مخالف منافع ملی ایران و منافع مطبوعات می‌داند و مخالفت صریح خود را با آن اعلام می‌دارد. نظر به درخواست ریاست محترم مجلس و کمیسیون ارشاد اسلامی که ملحوظ نمودن نظر جامعه مطبوعاتی را در طرح اعلام داشته‌اند، امضاکنندگان این نامه امید دارند با اقدام عاجل هیات‌رئیس مجلس شورای اسلامی و اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس، این طرح مسکوت بماند.

## عباس عبدی: جبهه دوم خرداد از نامزدی رفسنجانی در انتخابات مجلس حمایت نمی‌کند

عباس عبدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی، در یک اظهارنظر بسیار تند اعلام کرد جبهه دوم خرداد از نامزدی هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس حمایت نخواهد کرد. وی که با یک روزنامه عربی مصاحبه می‌کرد، گفت: بخش قابل توجهی از جبهه دوم خرداد از آقای هاشمی حمایت نخواهند کرد، ما روی یک سری مواضع ممکن است ائتلاف کنیم، ائتلاف اشکال ندارد، من گفتم ممکن است حتی با ناطق نوری هم ائتلاف کنیم اما ائتلاف با هاشمی را درست نمی‌دانم، چون ایشان معادله‌های اخلاقی در جبهه دوم خرداد را بهم می‌ریزد. وی درباره تفاوت‌های هاشمی رفسنجانی با محمد خاتمی گفت: یکی از تفاوت‌ها این است که آقای خاتمی به قدرت و صندلی نچسبیده ولی آقای هاشمی به شدت به صندلی چسبیده است. وی ادامه داد: تبلیغات رسمی کشور از کارگزاران دفاع می‌کند، البته آنان حقوق هم می‌گیرند، اما محور تبلیغات به نفع کارگزاران و کسانی که در حکومت کار می‌کنند و علیه دیگران است. انگار آن‌ها متولی حکومت هستند و دیگران رعایا. یک روز بعد از انتشار این اظهارات در روزنامه عصرآزادگان، روزنامه همشهری به عباس عبدی پاسخ داد و بار دیگر مدعی شد دوم خرداد و تحولات پس از آن، نتیجه سیاست‌های ((دوران سازندگی)) هاشمی رفسنجانی است.

## باهنر: رفسنجانی نفر اول ماست!

موضوع شرکت رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم و در واقع شریک کردن او در رهبری اصلاحات، همچنان موضوع داغ انتخابات مجلس ششم است. محافظه‌کاران به شدت از حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات دفاع می‌کنند. محمدرضا باهنر یکی از عناصر موثر محافظه‌کاران در این زمینه گفت: هاشمی رفسنجانی نفر اول لیست جناح راست است. او در عین حال تاکید کرد نظر واحدی در مورد ناطق‌نوری وجود ندارد و برخی گروه‌های جناح محافظه‌کار مخالف این هستند که نام وی در لیست این جناح قرار گیرد. علاوه بر محافظه‌کاران و همچنین حزب کارگزاران سازندگی که از شرکت رفسنجانی در انتخابات حمایت می‌کنند، عده‌ای از احزاب و جریان‌های بخش اصلاح‌طلب حکومت نیز مدافع او هستند. حزب همبستگی اسلامی و حزب اسلامی کار، از جمله احزابی هستند که رفسنجانی را مورد حمایت قرار داده‌اند.

حزب مشارکت اسلامی و دفتر تحکیم وحدت از عمده‌ترین و سرسخت‌ترین مخالفین هاشمی رفسنجانی در میان نیروهای حکومتی به شمار می‌آیند.

## نورالدین کیانوری درگذشت

نورالدین کیانوری دبیر اول پیشین حزب توده ایران، در سن ۸۴ سالگی در تهران درگذشت. کیانوری که بدون تردید، از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی قرن حاضر ایران بود، در سال ۱۲۹۴ شمسی متولد شد. وی در سال ۱۳۱۳ از نخستین دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تازه تاسیس تهران بود. پس از یک سال تحصیل در تهران، به آلمان رفت و در دانشگاه فنی آخن تحصیلات معماری خود را به پایان رساند. کیانوری در سال ۱۳۱۹ به ایران بازگشت و پس از انجام خدمت سربازی، در سال ۱۳۲۱ به عضویت حزب توده ایران درآمد. از آن زمان به بعد، کیانوری زندگی خود را وقف فعالیت در صفوف حزب توده ایران کرد. کیانوری در سال ۱۳۲۲ به عضویت کمیسیون تفتیش حزب درآمد و در سال ۱۳۲۶ به دنبال برگزاری کنگره دوم حزب به عنوان عضو کمیته مرکزی و عضو هیات اجرائیه انتخاب گردید.

کیانوری در بهمن ماه ۱۳۲۷ به همراه سایر اعضای رهبری حزب توده ایران در پی توطئه هیات حاکمه و ممنوعیت حزب، دستگیر و زندانی شد. وی و سایر رهبران حزب در سال ۱۳۲۹ به یاری افسران توده‌ای از زندان گریختند. کیانوری تا سال ۱۳۳۴ مخفیانه در ایران زندگی و مبارزه می‌کرد. وی در سال ۱۳۳۴ به شوروی و در سال ۱۳۳۶ از آنجا به جمهوری دموکراتیک آلمان مهاجرت کرد. کیانوری از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ به دنبال اختلافات در دستگاه رهبری حزب، در هدایت حزب نقش فعال نداشت. به دنبال تغییر رهبری حزب در سال ۱۳۵۱، وی دبیر دوم کمیته مرکزی شد و در سال ۱۳۵۷ به دبیر اولی حزب انتخاب گردید. کیانوری از اردیبهشت ۱۳۵۸ تا بهمن ۱۳۶۱ حزب توده ایران را در یکی از حساسترین دوره‌ها رهبری کرد و در مقام رهبری حزب در ایران زندگی و فعالیت علنی داشت. او از بهمن ۱۳۶۱ تا هنگام مرگ نزدیک به ۱۷ سال در زندان یا بازداشت خانگی به سر برد.

آخرین نوشته‌ها و موضع‌گیری‌های کیانوری، حاکی از پایبندی او به اندیشه‌ها و مواضعی بود که نزدیک به نیم قرن از آن فعالانه دفاع کرد. قضاوت درباره زندگی و مبارزه کیانوری، در حقیقت جدا از قضاوت درباره زندگی و مبارزه حزب توده ایران با همه نقاط قوت و ضعف آن نیست. کیانوری در میان رهبران حزب توده ایران از رزمنده‌ترین و جسورترین شخصیت‌ها بود. در عین حال، کیانوری به باورهایش آنچنان دل‌باخته بود که واقعیات، به ندرت می‌توانست در ذهنیت او تاثیر بگذارد.

نورالدین کیانوری علیرغم نقش و مسئولیتی که در به انحراف کشیدن بخش بزرگی از نیروی چپ در ایران بر عهده داشت، در راه آرمان‌های چپ بسیار کوشید.

تاسف‌بارترین دوره زندگی سیاسی کیانوری، نقش او در به کرسی نشاندن و اصرار بر سیاست حمایت از جمهوری اسلامی در فاصله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ و سپس پایان تراژیک حیات سیاسی او در اسارت این رژیم بود. کیانوری مانند ده‌ها هزار زندانی سیاسی دیگر، قربانی استبداد قرون وسطایی شد که حزب را به حمایت از آن کشانده بود. این، بزرگترین تراژدی زندگی کیانوری بود. آخرین تصویری که از کیانوری در ذهن مردم ایران مانده است، تابلویی تکان‌دهنده از یک زندانی شکنجه‌دیده و درهم‌شکسته است که شکنجه‌گران او را به ضرب شلاق واداشتند در برابر دوربین‌های تلویزیون، هرآنچه در زندگی بدان اعتقاد داشت را نفی کند. کمتر کسی می‌داند که این، آخرین پرده از زندگی کیانوری نبود. کیانوری سال‌ها بعد در حضور گالیندوپول فرستاده سازمان ملل، به افشاگری علیه شکنجه‌گران پرداخت و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را رسوا کرد. از بیم رسوایی بیشتر بود که رژیم تا آخر، کیانوری را در اسارت نگه داشت.

**درگذشت کیانوری را به دوستان و هم‌زمان او و به ویژه همسرش مریم فیروز صمیمانه تسلیت می‌گوییم.**

## دانشجویان زندانی در تبریز اعتصاب غذا کردند

۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز که به جرم شرکت در تظاهرات دانشجویی تیر ماه در تبریز دستگیر و زندانی شده‌اند، از روز سیزدهم آبان به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند. این دانشجویان نامه‌ای از زندان تبریز به آقای خاتمی نوشتند که بخش‌هایی از آن در روزنامه خرداد منتشر شد. در این نامه آمده است: ((در روز واقعه بیستم تیر، یکی از دانشجویان در داخل دانشگاه تبریز بعد از اصابت یک تیر به پای راستش، هنگامی که پای مجروحش را برای استمداد و کمک نشان می‌دهد از فاصله نزدیک مورد اصابت دو تیر مستقیم و عمدی دیگر قرار می‌گیرد و پای خود را تقریباً از دست می‌دهد و تنها پس از ۲۸ روز عفونی شدن در زندان مورد عمل جراحی قرار می‌گیرد. آیا این اتفاقات خود ناشی از سلب حقوق قانونی و انسانی یک شهروند نیست؟ اما همه ماجرا این نیست. همین فرد به جرم این که مورد اصابت تیر قرار گرفته و موجب تحریک سایر دانشجویان شده توسط قاضی به یک سال حبس محکوم شده و تیراندازی که در داخل دانشگاه به یک دانشجوی مجروح و تیرخورده که قادر به حرکت نبوده شلیک کرده، محرک شناخته نشده و آزادانه در جامعه می‌گردد؟! این بی‌قانونی که تحت لفافه قانون‌گرایی عمل می‌شود تا کی ادامه خواهد داشت؟ آیا اگر کسی خود قادر به دفاع از حق خود نباشد و به قانون مسلط نبوده و در خارج از زندان هم کسی را نداشته باشد که حق او را بگیرد باید در زندان بیوسد تا عده‌ای دیگر از مسئولان‌ها به جای انجام وظیفه و با معرفی چند بی‌گناه وانمود کنند که کاری را انجام داده‌اند؟ (این است قانون‌مندی؟))

در بخش دیگری از این نامه آمده است: ((ما خواستار آنیم که قانون‌مندی در جامعه حاکم شود و کسانی که تحت نام قانون به پرونده‌سازی پرداخته و مسببین اصلی غائله را رها کرده و ما را به جهت تسویه حساب‌های شخصی و جناحی مقصر قلمداد کرده‌اند محاکمه شوند و نیز عده‌ای که به خاطر مسئولیت‌هایشان مورد حمایت جناح‌ها هستند از عقوبت اعمال و رفتار و

عملکرد خویش و محاکمه مصون بمانند. از رهبر انقلاب و شما خواستاریم به ما اجازه ندهید از نظامی که به آن عشق می‌ورزیم و مسئولان آن و عدالت ناامید شویم و به این سؤال ما پاسخ جدی داده شود که چرا علی‌رغم فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر بی‌گناهی دانشجویان و مظلوم واقع شدن آن‌ها و آرایه نتایج اداره اطلاعات استان و کمیته تحقیق مبنی بر برائت دانشجویان و کانون از بزه‌های انتسابی هنوز دستان پنهان و مشکوک و انگیزه‌های محفل‌نشینان در کار است تا با ایجاد تعلل و کندی در رسیدگی و روند آزادسازی، ما دانشجویان در بند را نسبت به نظام بدبین کنند.))

دانشجویان در پایان نامه خود اعلام کرده‌اند از تاریخ ۱۳ آبان ماه به مدت سه روز ((روزه اعتراض و استمداد)) می‌گیرند.

## گزارش تصمیمات هفتمین اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هفتمین اجلاس عادی شورای مرکزی سازمان، منتخب کنگره پنجم، در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ / ۹ / ۹۹ برگزار شد. این اجلاس، که مهمترین موضوعات در دستور آن مباحث سیاسی، تدارک کنگره و مباحث آن بود، در این موضوعات تصمیمات پایه‌ای را اخذ کرد و تفصیل و تنمیم آنها را به هیات سیاسی - اجرایی سازمان سپرد. به موجب این تصمیمات، هیات سیاسی - اجرایی مأموریت یافت در تکمیل و تداوم تصمیمات اجلاس پیشین شورا مواضع سازمان در قبال انتخابات دوره ششم مجلس شورا و نیز پیرامون جنبش دانشجویی تنظیم کند. هیات سیاسی - اجرایی در اجلاس خود تصمیم به اخذ سیاست تکمیلی زیر در این زمینه را اخذ کرد:

\* شرکت وسیع مردم در انتخابات مجلس شورا بسود جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه است. ما از مردم خواهیم خواست که وسیعاً در انتخابات شرکت کنند;

\* ما در انتخابات آتی مجلس شورا مستقیماً شرکت خواهیم کرد و از عناصر و جریان‌های آزادی‌خواه نیز خواهیم خواست که برای این انتخابات نامزد شوند و مستقلاً در آن شرکت کنند;

\* ما آماده همکاری با همه نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب در امر انتخابات مجلس شورا هستیم و از آنان می‌خواهیم که از حق شرکت سازمان در انتخابات دفاع کنند;

\* سیاست ما در انتخابات در سمت تقویت جنبش دوم خرداد و پیروزی نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب در آن است. در این چارچوب ما از نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب حکومت، بخش پیشرو ((خط امامی))ها حمایت خواهیم کرد;

\* ما اصلاح‌طلبان حکومتی را از ائتلاف با جناح حاکم در انتخابات آتی مجلس شورا پرهیز می‌دهیم و آنان را به شکل‌دادن به ائتلاف نیروهای ملی و دمکراتیک دعوت می‌کنیم.

نظر به تازگی و اهمیت جهاتی از این مواضع، هیات سیاسی - اجرایی همچنین بر این تصمیم شد که این مواضع به نظرخواهی اعضای شورای مرکزی سازمان گذاشته و در این چارچوب تصویب نهایی شوند. به وسیله گزارش حاضر این مواضع به اطلاع کل تشکیلات نیز می‌رسند.

علاوه بر آنچه گذشت اجلاس شورا با تصمیم قطعی در مورد برگزاری کنگره ((یک به یک))، رسیدگی به وجوه مبتنی بر این تصمیم را به هیات سیاسی - اجرایی سپرد. موضوع رای و کالتی از زمره وجوه مورد نظراند. در اجلاس پیشگفته هیات سیاسی - اجرایی در این باره نیز تصمیمی دایر بر پذیرش رای و کالتی اخذ شد و ضوابط و شرایط آن نیز به تصویب رسیدند.



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90  
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>  
[fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

آدرس کار در اینترنت :  
آدرس پست الکترونیکی :

**I.G.e.v** : آدرس پستی  
**Postfach 260268**  
**50515 Köln**  
**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :  
مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)  
به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب  
**22 44 20 32** : شماره حساب  
**37 05 01 98** : کد بانک  
**Stadtsparkasse** : نام بانک  
**Köln**  
**Germany**